

نظارت‌پذیری شورای امنیت در پرتو موازین حقوق بین‌الملل با تأکید بر دیپلماسی هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران

گودرز افتخار جهرمی*

علی حاجیانی**

۱۳۹۵/۰۴/۰۶

۱۳۹۵/۰۱/۲۵

چکیده

نظارت‌پذیری یا پاسخگویی شورای امنیت سازمان ملل متحد، به‌عنوان رکن رکین سازمان مذکور در قبال تصمیمات متخذه و وظایف محوله و عملکرد معموله، از موضوعات مورد مجادله و چالش برانگیز در حقوق بین‌الملل به‌خصوص حقوق بین‌الملل معاصر به‌ویژه در دهه‌های اخیر است. در این خصوص، گروهی از اندیشمندان، با تمسک به موازین حقوق بین‌الملل و با ذکر مضرات قدرت تام، معتقدند که در یک نظام قانونمند جهانی موسوم به سازمان ملل متحد، هر رکن و مقامی ولو شورای امنیت به‌عنوان والاترین مرجع سیاسی جهانی، بایستی در مقابل عملکردش پاسخگو بوده و نظارت‌مند باشد. ما به متابعت از پیروان این تفکر و عقیده، ضمن احصا موازین حقوق بین‌الملل، چگونگی محدود نمودن صلاحیت شورای امنیت و نظارت‌پذیری نهاد بین‌المللی مذکور را به استناد موازین موصوف تبیین کرده، بر همین مبنا، مشخص ساخته‌ایم که دولت جمهوری اسلامی ایران با استفاده از ابزار دیپلماسی در موضوع هسته‌ای، چگونه توانست تصمیمات و عملکرد شورای امنیت را در خصوص قطعنامه‌های تحریمی، به چالش بکشد.

* استاد دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی و نویسنده مسئول.

G-EFtekhar@Sbu.ac.ir

** دانشجوی دوره دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی.

hajiani-a@yahoo.com

کلید واژگان

شورای امنیت- موازین حقوقی- موازین فراحقوقی- دیپلماسی- دیپلماسی هسته‌ای.

مقدمه

شورای امنیت به‌عنوان یکی از ارکان شش‌گانه سازمان ملل متحد، دارای یک سلسله وظایف و اختیارات در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و همچنین مقابله با تهدیدات برعلیه صلح و امنیت بین‌المللی است. اهمیت این وظایف و اختیارات چنان است که این رکن شخیص ملل متحد بایستی، دائماً و به‌صورت مستمر در حال فعالیت باشد.^۱

علی‌رغم این وظایف خطیر و اختیارات وسیع و اقتدارات خاصه، همواره و از ابتدای تأسیس این مرجع بین‌المللی تاکنون، این بحث در مجامع سیاسی و علمی مطرح بوده است که آیا عملکرد شورای امنیت قابل نظارت و ارزیابی است یا نه؟

در پاسخ به این پرسش اساسی و کلیدی، عده‌ای از علمای حقوق بین‌الملل به استناد نظریه محدود بودن صلاحیت شورای امنیت معتقد هستند که شورای امنیت بایستی از موازین حقوق بین‌الملل متابعت و در مقابل عملکردش بایستی پاسخگو باشد.^۲ در مقابل گروهی دیگر از اندیشمندان حقوق بین‌الملل به استناد نظریه نامحدود بودن صلاحیت شورای امنیت و همچنین نظریه اختیارات ضمنی.^۳ بر این اعتقادند که نهاد مذکور می‌تواند هر نوع مصوبه و تصمیمی را برای نیل به هدف و وظیفه اصلی‌اش اتخاذ نماید. به‌عبارت اُخری، بعضی از اندیشمندان معتقدند که با توجه به وظیفه خاص و بزرگ شورای امنیت در حفظ و تأمین صلح و امنیت بین‌المللی، لحاظ ناظر و اعمال نظارت بر تصمیمات و اختیارات شورای امنیت، موجب تنزل شأن و برهم خوردن سیستم امنیت جمعی و مالا نظم و انتظام بین‌المللی و جامعه جهانی می‌گردد. اما عده‌ای دیگر، بر این اعتقاد هستند که شورای امنیت به‌عنوان یکی از تابعان حقوق بین‌الملل و بسان هر نهاد و ارگان سیاسی بایستی در اتخاذ تصمیم‌ها و اختیارات الزاماً و لابد از یکسری قواعد و نظامات پیروی نماید و نبایستی مطلق‌الغنان و مبسوط‌الید باشد والا تصمیماتش، قابل ارزیابی و خدشه و— شاید— محکوم به بطلان باشد.^۴

1. See. Shaw, Malcolm , International law, fifth edition , cup, 2003, p.1084.

2. ICJ Rep 1993, pp.14 ,31 ,325. para 1.1, ICJ Rep 1992, p.61.

3. Implied powers.

۴. فلسفی، هدایت الله، صلح جاویدان و حکومت قانون، انتشارات فرهنگ نشر نو، چ اول، ۱۳۹۴، صص ۳۸۲ و ۳۸۳.

— شریفه محمد، بررسی دکترین نامحدود بودن صلاحیت شورای امنیت، انتشارات اطلاعات، چ اول، ۱۳۷۳، صص ۱۴۹ — ۲۰۲ —

به نظر می‌رسد برای تکامل نظام حقوق بین‌الملل و ملل متحد، در ضرورت نظارت بر شورای امنیت با وجود سکوت محجوبانه منشور سازمان ملل متحد و اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری به‌عنوان دو سند بالا دستی حقوق بین‌الملل، هیچ‌گونه شبهه‌ای وجود نداشته باشد. براساس این نگرش، در حقوق بین‌الملل معیارهایی برای پاسخگویی شورای امنیت وجود دارد که ما در این نوشتار، با تکیه به این موازین به سه سؤال:

الف) سؤال اصلی: معیارهای نظارت‌پذیری و ارزیابی عملکرد تصمیمات و اقدامات شورای امنیت در عرصه حقوق بین‌الملل کدام هستند؟
ب) سؤالات فرعی:

۱. جایگاه دیپلماسی، در موازین حقوقی و فراحقوقی حقوق بین‌الملل، چگونه تبیین می‌گردد؟
 ۲. با توجه به موازین حقوق و روابط بین‌الملل، رویکرد دولت جمهوری اسلامی ایران در پاسخگو نمودن شورای امنیت در موضوع هسته‌ای، چگونه تجزیه و تحلیل می‌گردد؟
- پاسخ داده، مباحث در سه گفتار با اتکا به موازین نظارت‌پذیری حقوقی و فراحقوقی، ارائه می‌شود.

۱. موازین فراحقوقی

منظور از این‌گونه موازین، استانداردها و معیارهایی است که جوهره و وجود آنها، ذاتاً غیرحقوقی بوده، بیشتر جنبه میان رشته‌ای دارند و با علومی چون سیاست، روابط بین‌الملل و جامعه‌شناسی سیاسی بیشتر مانوس هستند.

۱.۱. نظریه مهار و توزیع قدرت

به‌زعم بسیاری از حقوق‌دانان، شورای امنیت، ارگان و قدرت سیاسی ملل متحد است.^۱ قدرت سیاسی را بزرگ‌ترین قدرت ممکن در زندگی اجتماعی انسان‌ها دانسته و با استعانت از کلام نغز توماس هابز از آن تعبیر به لویاتان^۲ نموده‌اند.^۱

→ سادات میدانی، سید حسینی، **صلاحیت قانون‌گذاری شورای امنیت**، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۴، صص ۱۷۶ - ۲۴۷.

1. Conlon, paul, legal problems at the center of united natis sanctions, NJIL, VOL.65,1996, p.75.

۲. این کلمه معروف به عقیده ما، بیانگر ذات قدرت است که اگر کنترل نگردد و نظارت‌مند نشود، حتما در مقطعی طغیان می‌کند و خرابی به بار می‌آورد.

بر همین مبنا، از آنجا که با وجود فضیلت قدرت در تأمین امنیت مردمان، تمرکز قدرت سیاسی ملل متحد در دستان یک شخص یا گروه آن‌هم با توجه به گستره وسیع اختیارات شورای امنیت، می‌تواند قواعد بازی زیست متمدنانه و به‌ویژه حاکمیت قانون به‌عنوان یکی از ارزش‌های بنیادین بشری و سیاسی را خدشه‌دار سازد. بنابراین، بسیاری از صاحبان معرفت من جمله منتسکیو معتقدند که براساس نظریه پیش‌گفته، هر قدرتی - من جمله شورای امنیت - باید مهار داشته باشد. این مهار، می‌تواند با مهار قدرت با قدرت^۲ بالحاظ و تعبیه اصل توزیع عادلانه قدرت و تکریم اصلین عدم تراکم و تمرکز قدرت در مقرره‌های قانونی مطابق آموزه‌های حقوق عمومی و حقوق بین‌الملل صورت گیرد. به عقیده ما، مفاد و روح حاکم بر منشور ملل متحد به‌عنوان سند تأسیس سازمان ملل به‌خصوص آنچه در دیباچه و فصل اول تحت عنوان اهداف و اصول و به‌ویژه بند دو ۲ ماده ۲۴ آمده است و اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری خاصاً ماده یک آن که از دیوان تعبیر به رکن مهم قضایی سازمان ملل می‌نماید، با توجه به شأن ذاتی مراجع قضایی که کنترل و نظارت در وجود آنها مستتر و نهادینه است، این مهم را مطمح نظر قرار داده است.

۲.۱. وجدان جمعی^۳ جامعه بین‌المللی

ویکتور هوگو می‌گوید وجدان خدای حاضر و ناظر در وجود انسان‌ها است.^۴ با سر مشق قراردادن این گفتار ویکتور هوگو، می‌توان به ضرس قاطع گفت که مجموعه باورها و احساس‌های مشترک ملل متحد که از آن تعبیر به وجدان جمعی جامعه بین‌المللی می‌شود، همواره و بلااستثنا تصمیمات و عملکرد شورای امنیت را مورد نظارت و ارزیابی قرار می‌دهند. به عبارت دیگر، شورای امنیت چه بخواهد و چه نخواهد، همواره در معرض قضاوت نامریی و غیرملموس وجدان‌های بیدار جهانیان که از شورای امنیت توقع عملکرد متناسب با عدالت و خیر مشترک دارند، بوده است و خواهد بود. بر همین مبنا، شاید بتوان از وجدان جمعی، به‌عنوان قوی‌ترین سنج و ناظر روانی و معنوی، - در بررسی تصمیمات و عملکرد شورای امنیت، - یاد کرد. گرچه نباید از این نکته غافل

۱. آقا بخشی، علی و مینو، افشاری‌راد، فرهنگ علوم سیاسی، نشر چاپار، چاپ دوم، ویرایش ششم، زمستان ۱۳۸۶، ص ۳۷۷.

۲. فلسفی، همان، ص ۱۶۲.

2. Collective Conscience.

۴. یعقوبی، مرضیه، گنجینه سخنان بزرگان ایران و جهان، انتشارات عطار، ۱۳۸۵، ص ۹۴۸.

بود که در مواردی مثل قضایای رواندا و فلسطین و سوریه و یمن، به دلیل سیطره قدرت و منافع خاص برخی از دولت‌های عضو دائم، شورای امنیت یا از تصمیم‌گیری مناسب باز مانده یا تصمیمات ناروا اتخاذ نموده است. سازمان‌های مردم‌نهاد و سازمان عفو بین‌الملل به‌عنوان یک سازمان بین‌المللی غیردولتی نماد و مصداقی روشن از وجدان جمعی جامعه بین‌المللی برای به چالش کشیدن تصمیمات و عملکرد اشخاص حقوقی تابع حقوق بین‌الملل و در اینجا شورای امنیت می‌باشند.^۱

۳.۱. اخلاق بین‌المللی^۲

حقوق و اخلاق با وجود بعضی از تفاوت‌ها - که به‌طور عمده در ضمانت اجرای مادی منعکس می‌گردد - همراه، با هم ملازمت داشته‌اند زیرا، هدف عمده هر دو، ارتقا و کمال بخشیدن به انبای بشر در پرتو آموزه‌های خاص و اکسیرگونه خود که مبتنی بر حفظ شئون و کرامات آدمیان و تثبیت و استقرار نظم و عدالت است، می‌باشد.

از سوی دیگر، یقین داریم که صلح و بشریت، منتهای آمال حقوق بین‌الملل می‌باشد. به همین خاطر، محتوای ارزشی و هنجاری حقوق بین‌الملل که مبتنی بر عدالت و اخلاق است، بر تمامی مقررات آن سایه‌ای هماگونه، فکنده است. بر همین مبنا، سلوک اخلاقی در جامعه جهانی، ایجاب می‌نماید که قواعد اساسی اخلاق بین‌المللی مثل راست‌کرداری، رعایت حریم دیگران و دادن حق به کسی که سزاوار آن است، در تصمیمات شورای امنیت ملحوظ نظر واقع شود و بر همین اساس، از آنجا که قواعد اخلاقی، تأمین‌کننده ضمانت معنوی برای احترام به حقوق بین‌الملل است،^۳ اعمال و کردار این مرجع وزین بین‌المللی قابل کنترل و ارزیابی است. این‌گونه نگرش در مکتب غایت‌گرایان و آرمان‌گرایان که هدف حقوق بین‌الملل - و به‌طور خاص وظیفه

۱. حضور گسترده و پررنگ این مراجع در نشست‌ها و کنفرانس‌های بین‌المللی و به‌خصوص نشست سالانه مجمع عمومی به خوبی این امر را تبیین نموده و نشان می‌دهد که این چشمان تیزبین، وظیفه نظارتی را به‌صورت غیر محسوس عهده دارند.

2. International Morality.

۳. قربان نیا، ناصر، **اخلاق و حقوق بین‌الملل**، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها «سمت»، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۸، ص ۸۳.

شورای امنیت- را ایجاد صلح و امنیت برای بهروزی بشریت- به‌عنوان یکی از مقاصد انبیا و اولیا الهی- می‌دانند، دارای جایگاهی بایسته و شایسته بوده، از این منظر قابل دفاع است.^۱

۴.۱. جامعه مدنی جهانی^۲

جامعه مدنی جهانی که متشکل از سازمان‌ها و تشکل‌های مردم‌نهاد و رسانه‌ها و وسائل ارتباط جمعی می‌باشد، لسانش، افکار عمومی به‌عنوان دوربین نظارت عمومی جامعه بوده، بر حقوق گفتمان متکی است. این پدیده، مؤلفه تجربی بالقوه‌ای است که می‌تواند شورای امنیت را با چالش به‌خصوص از نوع هنجاری آن، مواجهه نماید و فی‌الواقع به نحوی غیرمستقیم، عملکرد شورای امنیت را مورد نظارت و ارزیابی قرار دهد. این امر در پرتو شهروندی جهانی متکی بر وابستگی متقابل بشریت و تکالیف مشترک بشریت، که در آموزه‌های پوفندروف^۳- اندیشمند نامی حقوق بین‌الملل- نیز، آمده است، به زیبایی قابل تأویل و تبیین می‌باشد.^۴

۵.۱. سیاست دانش‌مدار یا دانایی‌محور

راهکارهای دانش بنیان و تعاملات خردگرایانه و عقل بنیاد در جامعه بین‌المللی که به‌زعم عده‌ای از اندیشمندان حقوق و روابط بین‌الملل، موسوم به سیاست دانش‌مدار می‌باشد، علی‌الاصول رویکردی در دیپلماسی و استراتژی برای عصر اطلاعات است که به شکل بخشیدن و شریک شدن در ایده‌ها، ارزش‌ها، هنجارها، قوانین و اخلاقیات از طریق قدرت نرم تأکید دارد، اما به‌زعم و عقیده ما با توجه به شاکله و بافت آن که تلفیقی از استفاده بهینه از دیپلماسی و جامعه مدنی جهانی در مناسبات بین‌المللی است، می‌تواند مستقلاً یکی از سنجه‌های کلی نظارت بر عملکرد

۱. نگاه کنید به: تسون، فرناندو، **فلسفه حقوق بین‌الملل**، ترجمه: محسن مجبی، انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۸۸، صص ۱۶ و ۱۷ در مقدمه ترجمه.

۲. Civil Society.

۳. Pufendorf وی به‌عنوان احتمالاً اولین نویسنده کلاسیک حقوق بین‌الملل، بر این اعتقاد بود که همه انسان‌ها باید با یکدیگر متحد باشند، به همدیگر ضرر نرسانند، حتی‌المقدور صلح جهانی را ترویج و توسعه دهند، به خدمت به بشریت و انسانیت مبادرت ورزند. نگاه کنید به: گرین، ال، سی، (آیا شهروندی جهانی واقعیت حقوقی دارد) در کتاب جمعی از نویسندگان، **جامعه مدنی جهانی**، ترجمه: حسین شریفی طراز کوهی، نشر دادگستر، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۸، صص ۷۲ و ۷۳.

۴. همان، ص ۷۲.

شورای امنیت تلقی شود. اگر بپذیریم که حقوق بین‌الملل، حقوق همکاری و تعامل است - که واقعیت و حق مطلب نیز همین است - و دنیای معاصر به سمت جهانی شدن گام برمی‌دارد، هر دولت و سازمان بین‌المللی من جمله شورای امنیت، برای اینکه در جامعه جهانی عنصر نامطلوب تلقی نشود، بایستی براساس خرد خودبنیاد و با تکیه بر آموزه‌های عقلانی و با استفاده از دانش به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین کلیدهای همکاری، صلح و توسعه اجتماعی، روش و سیاستی را پیشه خود سازد که برای تأمین منافع مشترک بین‌المللی، زیست نرم‌خویانه، قانون‌مدار و متمدنانه با تمامی بازیگران و تابعان حقوق بین‌الملل داشته باشد.^۱

۶.۱. افکار عمومی^۲

افکار عمومی را عقیده و نظر عموم مردم یا واکنشی که بخش بزرگی از جامعه در برابر رویدادهای اجتماعی از خود نشان می‌دهد،^۳ گویند. چنانچه افکار عمومی به معنی ارزش‌ها و نگرش‌های عموم مردمان نیز آمده است.^۴ امروزه منبع اصلی تغذیه‌کننده افکار عمومی تمامی مراجع انسانی، وسایل ارتباط جمعی شامل مطبوعات، رادیو، تلویزیون، فیلم، کتاب، آگهی دیواری، حامل‌های دیجیتال و فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی بوده، تبلیغات نیز در آن نقش و جهت تعیین‌کننده دارد. تأثیرات افکار عمومی در نظام‌های سیاسی را موج‌گونه دانسته‌اند و سطح رضایت یا عدم رضایت مردم از عملکرد مراجع قدرت را مؤثر در اعمال و مشروعیت قدرت دانسته‌اند.^۵ در بحث ما، با عنایت به اینکه منشور ملل متحد منادی وفاق بین‌المللی است، شورای

۱. بیات، محمود، **دیپلماسی دیجیتالی**، انتشارات مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، سال ۱۳۸۵، ص ۲۴.
با نگاه منصفانه، این سیاست را می‌توان در رویکرد کشورهای پنج‌به‌علاوه یک و جمهوری اسلامی ایران که منتج به «برجام» و سپس تصویب قطعنامه «۲۲۳۱» شورای امنیت گردید، ملاحظه نمود.

2. Public Opinion .

۳. انوری، حسن، **فرهنگ بزرگ سخن**، هشت جلدی، جلد اول، انتشارات سخن، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۱، ص ۴۹۸.
۴. کتبی، مرتضی، **در مقدمه مترجم بر کتاب افکار عمومی**، لازار، ژودیت، نشر نی، چاپ یازدهم، تهران، ۱۳۹۴، صص ۱۱ و ۱۷.
۵. لیپست، سیمور مارتین، **دایره‌المعارف دموکراسی**، ترجمه: کامران فانی، و نورالله مرادی، کتابخانه تخصصی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۸۳، جلد اول، صص ۲۰۲ - ۲۱۲.

امنیت نمی‌تواند از چشمان تیزبین وجدان و افکار عمومی در تحمیل مجازات‌هایی که به نام و به دفاع از هنجارهای جامعه بین‌المللی معمول می‌دارد، دور ماند.^۱

برای نمونه در این خصوص می‌توان از تحریم‌های جامع یا هدفمند سخن گفت. علی‌رغم فقدان نمونه‌های آماری مدون، قرائن و آمارات نشان می‌دهد که در مقاطعی افکار عمومی جامعه جهانی، چون تحریم‌های اعمالی شورای امنیت را در راستای رعایت و حفظ مصالح عمومی و ترفیع و بهبود رفاه همگانی انبای بشر و کل جامعه بین‌المللی می‌دانند، به دیده مثبت به آن نگریسته (نمونه: تحریم‌های علیه کره شمالی) و در برخی مواقع و در ازمنه‌ای دیگر، همین افکار عمومی، این‌گونه تحریم‌ها را برخلاف مصالح بشریت و صلح و امنیت جهانی تلقی نموده، خواستار بازنگری در آن شده است. (نمونه: تحریم‌های علیه عراق)

۲. موازین حقوقی

منظور از این‌گونه موازین، معیارهایی هستند که جوهره آنها، ذاتا حقوقی بوده، در حقوق بین‌الملل عام دارای جایگاه ویژه است.

۱.۲. اهداف و اصول ملل متحد و حقوق بین‌الملل^۲

مقاصد و اصول ملل متحد که دربرگیرنده اهداف و اغراض حقوق بین‌الملل نیز هستند، در مادتين ۱ و ۲ منشور ملل متحد به‌عنوان سند تأسیس سازمان ملل آمده است. چنانچه در عرف و رویه قضایی بین‌المللی نیز بعضا احصا و مورد تأکید واقع گردیده است. گرچه اهداف و اصول موصوفه، امری انتزاعی و هنجاری می‌نمایند ولی شورای امنیت سازمان ملل متحد در تصمیمات و عملکردش بایستی همواره آنها را با وجود قابلیت تفسیر ذهنی مد نظر قرار دهد.^۳ در مقابل عده‌ای

۱. عنابستانی، ابوالحسن، **تحریم‌های اقتصادی و حقوق بنیادین بشر**، ص ۱۸۴.

۲. تاریخ حقوق بین‌الملل و پیشینه تدوین منشور سازمان ملل و سوابق مذاکرات تاریخی در کنفرانس‌های دامبارتون اوکس و سان فرانسیسکو نشان می‌دهد که دولت‌های معتقد به پاسخگو بودن و نظارت‌پذیری شورای امنیت، عمده استدلال خود را بر رعایت اهداف و اصول ملل متحد توسط مرجع اخیرالذکر در تصمیم‌های متخذه، متمرکز می‌نمودند. بنگرید به:

- فلاح اسدی، مهرداد، چالش‌های حقوق بشری تصویب و اجرای قطعنامه‌های تحریمی شورای امنیت، صص ۲۴-۲۸.
- جمعی از نویسندگان، جامعه مدنی جهانی، صص ۲۴۴-۲۴۱.

3. De wet ,Erika,the chapter VII powers of the United Nations security council, Hart publishing , 2004, p.193.

از علمای حقوق بین‌الملل به علت مبهم و کلی بودن اصول و اهداف سازمان ملل، بر این اعتقادند که این‌ها نمی‌توانند محدودیت معناداری را برای اختیارات شورای امنیت ایجاد کنند.^۱ در میان اصول ملل متحد، آن اصولی که خیلی به آن تأکید می‌شود، اصل حسن نیت و اصل وفای به عهد است. مطابق بند ۲ ماده ۲ منشور، شورای امنیت باید مسئولیت خود در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را با حسن نیت به انجام برساند زیرا، مطابق موازین حقوقی، حسن نیت مقتضی رعایت تناسب در استفاده از اختیارات است و حسن نیت اقتضا می‌کند که اختیار در راستای هدفی که برای خاطر آن برقرار گردیده است، اعمال شود. به عبارت روشن‌تر، اختیار در حد و نیاز برای تحقق هدف و متناسب با آن، قابل اعمال است.^۲

همچنین در این رابطه نباید از اصول احترام به صلاحیت ذاتی دولت‌ها یا به عبارت دیگر، عدم دخالت و احترام به حاکمیت دولت‌ها در خصوص امور داخلی و رعایت تمامیت ارضی دولت‌ها یا کشورها چشم پوشی نمود.^۳ چنانچه در همین راستا می‌توان از استاپل و انصاف به‌عنوان دو اصل معتبر حقوق بین‌الملل یاد نمود که شورای امنیت را در اعمال تصمیماتش، محدود می‌سازد.^۴

۲.۲. قواعد آمره^۵

قواعد آمره در حقوق بین‌الملل هنجار برتر تلقی شده، منعکس‌کننده ارزش‌های اساسی نظام حقوقی بین‌المللی مربوط به صلح و امنیت بین‌المللی و همچنین بیانگر نظریه عدالت بین‌المللی در جامعه حقوقی بین‌المللی هستند.^۶ بنابراین هرگونه تصمیم شورای امنیت که برخلاف قواعد آمره اتخاذ شده باشد را باید از اصل، مطابق ماده ۵۳ کنوانسیون وین راجع به حقوق معاهدات مصوب ۱۹۶۹، ملغی‌الاثرو بلاتأثیر دانست. این امر از منظر سلسله مراتب هنجاری در حقوق بین‌الملل نیز قابل دفاع است.

1. E. g. m. Reisman, peacemaking, YJIL, Vol .18,1993, (p415).

۲. موحّد، محمد علی، در هوای حق و عدالت، نشر کارنامه، ۱۳۸۱، ص ۳۵۳.

۳. گرچه در این مقال و مجال نمی‌گنجد ولی بایستی اذعان داشت که امروزه در حقوق بین‌الملل تحولات شگرفی در مفهوم اصل عدم مداخله و موضوع حق تعیین سرنوشت ملت‌ها، صورت گرفته است که دیگر نمی‌توان عدم دخالت در امور داخلی دولت‌ها را به راحتی و به‌طور مطلق پذیرفت و قبول نمود.

4. CF. Brownlie, Ian, principles of public international law, OUP, edition, 2008, p.6440.

5. JUS Cogens .

6. Wheatley, steven, op .cit, p.538.

برهمن مبنای شورای امنیت در تصمیم‌گیری‌های خود باید دسته‌ای از قواعد بالارزش‌تر حقوق بین‌الملل مثل قواعد آمره و قواعد حقوق بشر که از مرتبت و فصل بالاتری برخوردار هستند و به‌زعم دکتربین و مطابق آراء اصداری محاکم بین‌المللی و منطقه‌ای و بعضاً داخلی، همواره در صدر می‌نشینند، ملحوظ نظر قرار داده، بر این اساس، اتخاذ تصمیم نماید و اگر برخلاف آن عمل نماید، بایستی پاسخگو بوده و باشد.^۱ علاوه آنکه، در همین خصوص می‌توان از نظم عمومی بین‌المللی^۲ که فی‌الواقع دربرگیرنده ارزش‌های بنیادین مشترک بشری و قواعد آمره و تعهدات عام‌الشمول و حتی سلوک و قواعد اخلاقی هستند نیز، به‌عنوان ناظر محسوس بر تصمیمات و عملکرد شورای امنیت، یاد نمود.

۳.۲. تعهدات عام‌الشمول^۳

برخلاف قواعد آمره بین‌المللی، قواعد جهان‌شمول و تعهدات عام‌الشمول در کنوانسیون‌های ناظر به حقوق معاهدات تعریف نشده است با وجود این، مطابق مادتين ۴۰ و ۴۱ طرح ۲۰۰۱ مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، قواعد و تعهدات فراگیر، به‌عنوان یکی از موازین و براهین حقوق بین‌الملل، شورای امنیت را موظف و ملتزم می‌نماید که در تصمیماتش، قواعد جهان‌شمول را مرعی و پاس دارد. این امر را می‌توان از طریق قیاس با توجه به آراء متعددی که در آن دیوان بین‌المللی دادگستری به‌خصوص در قضیه بارسلونا تراکشن^۴، تمام دولت‌ها را متعهد به جلوگیری و مجازات نقض تعهدات مذکور، دانسته، به خوبی تبیین نمود.^۵

۴.۲. مبانی عدالت و خیر مشترک جهانی

عدالت، همای سعادت است که هرکس به زبانی از آن سخن می‌گوید و هرکس تصویری دیگر درباره آن دارد.^۶ در این راستا، شورای امنیت به‌عنوان یکی از مصادیق نهادهای اجتماعی،

۱. رأی دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق در مورد تادیب و آراء دیوان دادگستری اروپایی در خصوص کادی و مؤسسه البرکات نمونه‌های از حساسیت محاکم بین‌المللی و منطقه‌ای به رعایت قواعد آمره و حقوق بشر توسط شورای امنیت است.

2. international order.

3. Erga Omnes.

4. Barcelona Traction.

5. A) Namibia case, op. cit, para52, p.31.

B) APPLication of Genocide convention, Bosnia v. yugoslavia „IGJ Reports, 1996. Para 31 .

C) "legality of the threat or use of nuclear weapons" ICJ Reports, op.cit, paras79,83.

۶. موحد، همان، ص ۳۱۳.

مطلوبش مطابق منشور ملل متحد، عدالت بوده هرچند که هدف اصلی‌اش تأمین و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است. فلذا در اقداماتش، بایستی عدالت را گرچه موضوعی هنجاری و انتزاعی است، مرعی دارد. از سوی دیگر، اصول عدالت به‌مثابه رعایت موازین حقوق بین‌الملل بوده، با خیر مشترک رابطه‌ای عمیق دارد. در اکثر نظام‌های حقوقی به آن دسته از اصولی که حافظ و نگاهبان خیر مشترک هستند، تصریح شده است. اصول ممنوعیت سوءاستفاده از حق، حسن نیت و تناسب از جمله این اصول به شمار می‌آیند. با این حال، این اصول به شرطی استقرار می‌یابد که وجدان جمعی افراد جامعه پشتیبان آنها باشد. بنابراین خیر مشترک، مبین ارزش‌ها و هنجارها و منافع آرمانی و واقعی یکسان بشریت و منعکس‌کننده بلندای معنوی و فرهنگی هرنظام اجتماعی است و بر همین اساس، پرواضح است خیر مشترک و به تعبیر دیگر خیر برتر یا همان صلح و اصول حقوقی پیش‌گفته به‌خصوص اصل ممنوعیت سوءاستفاده از حق به‌عنوان محامی و معاضد آن به همراه عدالت به‌عنوان سه مؤلفه ارجمند، به خوبی می‌توانند شورای امنیت – که شاکله و وجودش برای حفظ و تأمین صلح جهانی است – را در تصمیمات و عملکردش به مبارزه بطلبند و صحت و سقم اقداماتش را در کفه‌های ترازشده با عدالت، خیر مشترک و اصول حقوقی، توزین نمایند.^۱

۵.۲. موازین و قواعد و کنوانسیون‌های حقوق بین‌الملل بشردوستانه

شورای امنیت بر مبنای مادتين ۴۱ و ۴۲ منشور، باید حقوق بین‌الملل بشردوستانه را رعایت نمایند. موازین و قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه که متکی بر اصول موجوده تناسب، ضرورت، تفکیک و اصل کمتر مطرح شده رواداری و به تعبیر بعضی از علما حقوق بین‌الملل، اصول تناسب و شفافیت، مشروعیت خواسته‌ها، تفکیک، تنبیه به‌جا و درست، جبران خسارت و بازسازی می‌باشد،^۲ در زمره قواعد امره حقوق بین‌الملل عام نیز بوده که تخطی از آنها، موجبات بطلان تصمیمات و عملکرد شورای امنیت می‌گردد.^۳

۱. فلسفی، هدایت‌الله، صلح جاویدان و حکومت قانون، انتشارات فرهنگ نو، سال ۱۳۹۴، صص ۵۳ و ۵۵.

۲. نگاه کنید به: فلسفی، هدایت‌الله، «پارادایم بشردوستی و گرداب مداخله – تحلیلی روشمند از امنیت انسانی و مداخلات یک‌جانبه»، سالنامه ایرانی حقوق بین‌الملل و تطبیقی، شماره ششم، ۱۳۸۹، صص ۲۳ و ۲۴.

3. Gardam, Judith, legal Restraints on security council military Enforcement Action,, Michiganjournal of international law, Vol .17 ,1996, p.318.

۶.۲. موازین و قواعد و کنوانسیون‌های حقوق بشر

رعایت حقوق اساسی و بنیادین بشر که تحت عنوان حقوق سخت^۱ مطرح است و به‌خصوص حق تعیین سرنوشت، حق حیات، حق بر دادخواهی، حق بر آموزش و اصل منع تبعیض از جمله مواردی است که رعایت آنها توسط شورای امنیت لازم و واجب است و از آنجا که این‌گونه حقوق علاوه بر ذات بلند قدری و صدرنشینی، جزء قواعد آمره حقوق بین‌الملل عام هستند، همواره از جمله معیار و موازین شایع و رایجی است که به‌صورت مداوم از طرف محاکم بین‌المللی و منطقه‌ای و داخلی مورد توجه قرار می‌گیرد و بعضاً در احکام اصداری، پاسداشت آنها به‌صورت مستقیم و در برخی موارد به‌صورت غیرمستقیم به شورای امنیت گوشزد می‌شود.^۲

۷.۲. طی نمودن فرایندهای قانونی و پاسداشت - اصل حاکمیت قانون

گرچه در یک دیدگاه افراطی، عده‌ای بر این اعتقاد هستند که هرآنچه شورای امنیت به‌خصوص با توجه به ماده ۲۵ منشور ملل متحد، بگوید، عین حقوق و قانون خواهد بود، لیکن صرف‌نظر از اینکه «منشور ملل متحد» را به‌عنوان سند تأسیس سازمان ملل و یا معاهده بین‌المللی بپذیریم یا از آن تعبیر به قانون اساسی و مرامنامه جهانی و حتی قانون اساسی برتر، نماییم^۳، مفاد و مندرجات و روح حاکم بر آن، تصدیق می‌نماید و اشعار می‌دارد که شورای امنیت بایستی در چهارچوب منشور عمل کند. اهمیت حکومت قانون در موازین حقوق بین‌الملل چنان است که امروزه بیش از چهل نهاد در سیستم ملل متحد، درگیر موضوع حکومت قانون هستند. نمود عملی این مهم، در عملکرد مجمع عمومی سازمان ملل متحد متجلی است به‌نحوی که مجمع عمومی سازمان ملل متحد از سال ۲۰۰۸، موضوع حکومت قانون در سطح ملی و بین‌المللی را به‌طور مستقل موضوع دستور کار اجلاس‌های سالانه خود، قرار داده است.^۴

1. Hard law.

۲. برای نمونه می‌توان از آراء دیوان دادگستری اروپایی در دو رأی معروف کادی و البرکات در سنوات ۲۰۰۵ و ۲۰۰۸ و همچنین رأی شعبه عالی دیوان اروپایی حقوق بشر در قضیه ندا علیه سوئیس در سال ۲۰۱۲ و رأی دادگاه عالی هلند در سال ۲۰۱۲ در رد تصمیمات نهادها و مراکز آموزشی و اداره مهاجرت کشور هلند مبنی بر ممنوعیت از تحصیل و لغو رواید ۳ نفر ایرانی دارای تابعیت مضاعف، سخن گفت.

۳. فلسفی، هدایت الله، «از عقل و واقعیت تا بشریت»، سالنامه ایرانی حقوق بین‌الملل و تطبیقی، شماره پنجم، ۱۳۸۸، صص ۲۷-۳۰.

۴. برای مطالعه تفصیلی نگاه کنید به: شریفی، محسن، حکومت قانون و اعمال آن بر شورای امنیت، رساله دکتری،

۸.۲. اصل و نظام تفکیک قوا

اگر نظام ملل متحد را یک حکومت جهانی با دولت فدرال تلقی نماییم، قاعدتا باید بپذیریم که بر مبنای اصل و نظام تفکیک قوا-که بلاشک جزء مبانی اساسی آن است، - حدود و اختیارات هر یک از ارکان سازمان ملل توسط مقام یا رکن دیگر، کنترل شود و به‌طور مستمر بازبینی شود تا از اقدام قانونی و عدم تجاوز آنها از مرزهای مجاز، اطمینان حاصل آید. امر اخیر در بحث نظارت قضایی و نظارت دیوان بین‌المللی دادگستری به‌عنوان مرجع نظارتی شایسته و رکن قضایی ملل متحد بر رویه و عملکرد شورای امنیت به‌عنوان رکن اجرایی-سیاسی نیز می‌تواند به‌کار آید. گرچه شمار کثیری از حقوق‌دانان نسبت به آثار آراء دیوان بر تصمیم‌ها و اعمال شورای امنیت به دیده تردید نگریسته، آن را مؤثر نمی‌دانند.^۱

۹.۲. نقش تحدیدکننده ترویج مسئولیت بین‌المللی شورای امنیت

در سیستم حقوق بین‌الملل و ملل متحد و در راستای تضمین عملکرد مناسب و بهینه نظام حقوق بین‌المللی، تمامی تابعان آنها، دارای مسئولیت بین‌المللی بوده، قانونا و منطقا و عقلا و عرفا نسبت به عملکرد و تصمیمات متخذه، نظارت‌پذیر و پاسخگو، بوده و هستند به‌نحوی که با تخطی و تخلف از قواعد و مقررات بین‌المللی، مسئولیت حقوقی و قانونی بر آنها بار و تحمیل می‌شود. این امر که به نحوی رسالت بنیادین حقوق مسئولیت بین‌المللی محسوب می‌شود، نسبت به شورای امنیت با توجه به رأی مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در سال ۱۳۴۹ در قضیه جبران خسارت وارده به کارمندان سازمان ملل متحد^۲ نیز یقینا ساری و جاری است.^۳

۱۰.۲. ظرفیت قواعد بین‌المللی غیرالزام‌آور

گرچه حقوق نرم و قوام نیافته^۴، عموماً برای توصیف اسناد و قواعد بین‌المللی غیرالزام‌آور مثل قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد به‌کار می‌رود، لیکن این واژه امروزه دایره شمول گسترده‌ای پیدا کرده است و دربرگیرنده قطعنامه‌های اختیاری، قوانینی رفتاری سازمان‌های

دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، سال ۱۳۹۱، ص ۶۵

۱. پیرزاده، نادر، خاتمه تحریم‌های سازمان ملل و امکان رجوع به دیوان بین‌المللی دادگستری، صص ۱۵۸ و ۱۵۹.

2. ICJ, Reports, 1949, p.174.

3. Butkiewicz.op.cit., p.117.

4. SOFT LAW.

بین‌المللی و منطقه‌ای و حتی آموزه‌های معاریف حقوق بین‌الملل، شامل استادان دانشگاه‌ها، پژوهشگران حقوق بین‌الملل و قضات شاغل در محاکم بین‌المللی و منطقه‌ای می‌گردد. این‌گونه حقوق، علی‌رغم غیرالزام‌آور بودن آن، تأثیر بسزایی در عملکرد و تصمیمات شورای امنیت و بازنگری درون سازمانی آن داشته و دارد.

برای نمونه در این خصوص می‌توان از موافقت‌نامه و پیمان و سند نهایی موسوم به هلسینکی در سال ۱۹۷۵ بین کشورهای بلوک شرق و غرب که منجر به پایان جنگ سرد شد، یاد نمود. پس از معاهده مذکور که منجر به شناسایی مرزهای سیاسی کشورهای کمونیستی مورد درخواست شوروی سابق و متقابلاً تعهد شوروی به رعایت ضوابط حقوق بشر مدنظر کشورهای غربی گردید، عملکرد شورای امنیت دچار تحول اساسی شد و این مرجع معتبر بین‌المللی، نقش بسیار فعال‌تری را در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی ایفا نمود. چنانچه در این رابطه از برجام نیز به‌عنوان سندی منعطف و از نوع حقوق نرم می‌توان نام برد. توافق یاد شده توانست قطعنامه‌های قبلی شورای امنیت علیه جمهوری اسلامی ایران را به‌صورت مشروط لغو یا تعلیق قابل بازگشت به مدت ده سال نماید.^۱

۳. دیپلماسی، برهانی قاطع جهت نظارت‌پذیری شورای امنیت

۳.۱. دیپلماسی مقبول ملل متحد

دیپلماسی چه به‌عنوان فرایند و چه به‌عنوان مکانیسم، مفهومی متکثر است.^۲ آنچه در بطن دیپلماسی نهفته است، تلاش برای جلوگیری از تخاصم، جنگ و گسترش همکاری و – صلح – است.^۳ عباراتی همچون ما مردم ملل متحد، به تساهل و مدارا رفتار کردن، زیستن در حال صلح با یکدیگر با روحیه حسن هم‌جواری و متحد ساختن قوای خود برای نگاهداری صلح و امنیت بین‌المللی که در دیباچه منشور سازمان ملل متحد آمده است، همگی به نوعی یادآور دیپلماسی و

۱. قنبری جهرمی، محمد جعفر، «ارزیابی توافق هسته‌ای با معیارهای حقوق بین‌الملل»، روزنامه ایران، شماره ۶۰۰۰، ۲۲ مردادماه ۱۳۹۴، ص ۱۸.

۲. واتسون، آدم، **دیپلماسی**، ترجمه: آقای، سید داود و لیلی، گل افشان، انتشارات نسل نیکان، تهران، پاییز ۱۳۸۵، ص ۱۸.
۳. ظریف، محمد جواد و سید محمد کاظم، سجادیپور، **دیپلماسی چندجانبه**، جلد اول، انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول، ۱۳۸۷، ص ۴۳.

منافع و محاسن کثیره آن است. یقیناً، در عصر و زمانی که تسامح و تساهل و مدارا شاخصه اصلی زیست و همکاری بین‌المللی است، دیپلماسی به‌عنوان قدرت نرم که ستون اصلی آن بر ارزش‌های برگرفته از صلح متمرکز است، نقشی پررنگ در رفع محدودیت‌های مقرر از شورای امنیت برای کشورها و دولت‌های مشمول تصمیمات مرجع مذکور دارد. با این همه، در حقوق بین‌الملل به دیپلماسی به‌عنوان یک فرایند و ابزار کارآمد که مبنای آن بر مذاکره به‌عنوان یکی از روش‌های مسالمت‌آمیز حل اختلاف‌های بین‌المللی از طرق غیرحقوقی استوار است، نگرسته می‌شود. بر همین مبنا است که موضوع دیپلماسی به‌خصوص دیپلماسی پیشگیرانه/ بازدارنده^۱ در اندیشه‌های تمامی صاحب‌نظران حقوق بین‌الملل بالاخص دبیران کل سازمان ملل متحد، جهت مقابله با تصمیمات و عملکرد شورای امنیت در بسیاری از مناقشات جهانی، همواره مطرح و مورد تأکید بوده است. داگ هامر شولد^۲ که اصطلاح دیپلماسی پیشگیرانه را با فعالیت‌های او در سازمان ملل مرتبط می‌دانند، بر این اعتقاد بود که مداخله به موقع سازمان ملل می‌تواند جلوی ویرانگری‌های منازعه و جنگ را بگیرد.^۳ پطروس غالی دبیر کل پیشین سازمان ملل متحد در گزارش خود تحت عنوان دستور کار برای صلح در سال ۱۳۹۲، در تبیین دیپلماسی پیشگیرانه، آن‌را اقدام برای جلوگیری از بروز اختلاف میان طرفین، جلوگیری از تشدید اختلاف‌های موجود و تبدیل شدن آنها به درگیری و در صورت بروز درگیری، محدود ساختن دامنه آن، می‌دانست.^۴ دیپلماسی پیشگیرانه جدید، شبیه رویه دیپلماتیک مرسوم است و از مجموعه‌ای از ابزارهای سیاسی، از جمله مذاکرات رسمی، میانجیگری، جمع‌آوری اطلاعات و اقدامات اعتماد ساز استفاده می‌کند.^۵ بنابراین، دیپلماسی صرف‌نظر از اینکه، آن‌را به‌عنوان امری فنی - حقوقی یا پدیده فنی - سیاسی قلمداد نماییم، بر مبنای ساختار و شاکله مسالمت‌آمیز آن، در حفظ صلح و امنیت

1. preventive diplomacy.

2. Dag HammarKjold.

۳. گریفیتس، مارتین، **دانشنامه روابط بین‌الملل و سیاست جهان**، ترجمه: طیب، علیرضا، نشر نی، چاپ سوم، ۱۳۹۴، ص ۵۳۲.

۴. گریفیتس، همان، ۱۳۹۴، ص ۵۳۲.

۵. احساندوست، نسرين، **رویکرد پیشگیرانه سازمان ملل متحد در جلوگیری از درگیری‌های مسلحانه**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، بهمن ماه ۱۳۹۲، ص ۲۳.

بین‌المللی که غایت و مقصود شورای امنیت سازمان ملل متحد می‌باشد، نقشی کلیدی داشته، غیرمستقیم کنترل‌کننده تصمیمات و عملکرد شورای امنیت است.

۲.۳. دیپلماسی هسته‌ای ایران - غلبه تعامل بر تقابل و عقلانیت بر احساس

۱.۲.۳. کلیات - بیم‌ها و امیدها

بلاشک، موضوع هسته‌ای ایران - که در ادبیات و گفتمان مرسوم از آن تعبیر به بحران می‌شد -، از جمله مسائل مهمی بود که بیش از یک دهه، جامعه جهانی، سازمان ملل متحد، شورای امنیت و دولت جمهوری اسلامی ایران را درگیر خود ساخت. در این مسئله و بحران، آمریکا توانست با انواع لطایف‌الحیل براساس سیاست معروف چماق و هویج، اعضای دائم و عمده اعضای غیردائم شورای امنیت را با خود همراه سازد به نحوی که این مرجع مهم بین‌المللی تحت فصل هفتم منشور ملل متحد، رفتار ایران در موضوع هسته‌ای را، تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی تشخیص داد و شدیدترین و شاید بی‌سابقه‌ترین قطعنامه‌های تحریمی^۱ علیه ایران صادر نمود.^۲ در مقابل، جمهوری اسلامی ایران، همواره قطعنامه‌های تحریمی مذکور را غیرعادلانه و ناقض اصول بنیادین حقوق بین‌الملل و ناشی از فشار و زور می‌دانست.^۳ این دلایل نزد اغیار نیز مقبولیت نسبی داشت.^۴

با وجود این، گرچه در دوره استقرار دولت نهم و دهم در کشور ایران، از ادبیات نامتعارف و غیرمعتوبی چونان کاغذ پاره، برای این نوع اسناد الزام‌آور بین‌المللی و بالادستی حقوق بین‌الملل استفاده گردید و تصمیمات شورای امنیت به‌عنوان قدرتمندترین مرجع بین‌المللی عملاً، به‌سخره گرفته شد، لیکن آثار منفی این قطعنامه‌ها به‌خصوص از نظر اقتصادی، روز به روز نمایان‌تر

۱. در این خصوص شورای امنیت شش قطعنامه را تحت شماره‌های ۱۹۶۹ و ۱۷۳۷ در سال ۲۰۰۶ و ۱۷۴۷ در سال ۲۰۰۷ و ۱۸۰۳ و ۱۸۳۵ در سال ۲۰۰۸ و ۱۹۲۹ در سال ۲۰۱۰ صادر نمود.

۲. حدیث مفصل از این مجمل را می‌توان در کتب سه‌گانه: الف) البرادعی، محمد، **عصر فریب**، ترجمه: درشتی، فیروزه و شیماء صفائی، انتشارات ایران، چاپ اول، بهار ۱۳۹۲. و ب) روحانی، حسن، **امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای**، انتشارات مرکز تحقیقات استراتژیک، چاپ چهاردهم، پاییز ۱۳۹۱. و ج) موسویان، سید حسین، روایت بحران هسته‌ای ایران، ناگفته‌های یک دیپلمات، انتشارات تپسا، تهران، ۱۳۹۴ خواند.

۳. سخنرانی دکتر محمد جواد ظریف در نشست شورای امنیت سازمان ملل در نهم مردادماه ۱۳۸۵.

۴. البرادعی، محمد، **عصر فریب**، ترجمه: درشتی، فیروزه و شیماء صفائی، انتشارات ایران، چاپ اول، بهار ۱۳۹۲، صص ۲۲۶ و ۲۴۰.

می‌گردید. برای برون رفت از این تنش بین‌المللی و با روی کار آمدن دولت موسوم به تدبیر و امید، این ذهنیت در ایران و جهان پدیدار گردید که با تعامل و از راه دیپلماسی صحیح، می‌توان طرحی نو در انداخت. برای اجرای این منظور، دولت ایران مدیریت دیپلماسی هسته‌ای را از شورای عالی امنیت ملی به وزارت خارجه سپرد و مهم‌تر از آن، ممنوعیت مذاکره مستقیم با آمریکا به دستور مقامات و مراجع عالی حکومتی رفع گردید. با این نوع نگرش و تغییر روش بازی، این طیف از کارگزاران حکومتی با تمسک به فتوای عالی‌ترین مقام حکومتی و مذهبی کشور مبنی بر حرمت شرعی سلاح اتمی، گام به گام به‌خواسته خود نزدیک شده،^۱ و با پنجه تدبیر و با ظرافت و با دیپلماسی مؤثر و فعال و سازنده و با استفاده از سیاست دانش‌محور و روش‌های متعارف و مقبول در روابط بین‌الملل و با پاسداشت اصل حسن نیت مقبول حقوق بین‌الملل و با پشتوانه قوی افکار عمومی داخلی و بین‌المللی و بده و بستان معقول، گره و قفل بحران هسته‌ای را با براهین قویه یاد شده باز کرده، با تلفیقی از شگردهای متعدد دیپلماسی و با درک صحیح مناسبات قدرت بین‌المللی و شناخت عمیق فلسفه گفتگو در ماراتن نفس‌گیر مذاکرات ژنو، لوزان و وین، در پرتو عقلانیت و در سایه خرد با تحمل و سعه صدر و مدارا، محقق و برجام هسته‌ای با کشورهای پنج‌به‌علاوه یک را با تفهیم این مطلب به آنان که «چاره را امروز زور و پهلووانی نیست»^۲ به‌عنوان تأسیسی ویژه و پدیده‌ای نو در حقوق و روابط بین‌الملل با نرمش قهرمانانه و رعایت قواعد بازی، پایه‌گذاری و کاری سترگ را در راستای وظایف و منافع ملی و میهنی صلح‌سازی انجام داد^۳ و تحریم‌های المانه و به عقیده بسیاری سایه شوم جنگ را با استعانت از کلام نوستالژیک فردوسی بزرگ

«خرد باید آندر سرِ شهریار
که تیزی و تندی، نیاید به کار»

۱. راجی، محمد مهدی، آقای سفیر، گفت گو با محمد جواد ظریف، نشر نی، چاپ هفتم، تهران ۱۳۹۴، ص ۲۳۶.

۲. برگرفته از شعر آرش کمانگیر سیاوش کسرائی.

البته به این امور وجهه و شخصیت دیپلمات نیز می‌توان اضافه کرد. موضوعی که وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران با شایستگی تمام با تسلط کم نظیر به زبان گفتگوهای بین‌المللی و شاید در خلوت خود با ترنم کلام موزون «دلِ خَلقی است در مُشتم، امید مردمی خاموش هم پُشتم» به‌عنوان دیپلمات -سرباز فداکار و سرافراز وطن انجام داد.

از سر ملت بزرگ ایران دور نمود و به‌عبارتی یکی از شاهکارهای دیپلماسی را در عرصه بین‌المللی رقم زد.^۱

۲.۲.۳. دستاوردها^۲

با برجام مهم‌ترین پرونده متشکله در طول حیات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، به‌صورت مسالمت‌آمیز حل شد و با قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت تمامی قطعنامه تحریمی هسته‌ای مرجع مذکور علیه ایران از نظر آثار معلق گردید. بنابراین یقیناً اسناد یاد شده دستاوردهای سیاسی و حقوقی فراوان دارد که اجمالاً تبیین می‌گردد.

۱.۲.۲.۳. دستاوردهای سیاسی

این گروه از دستاورد دارای پنج مؤلفه است.

۱.۱.۲.۲.۳. ترویج آموزه‌های جدید دیپلماسی و صلح‌سازی

عملکرد تیم‌های مذاکره‌کننده هسته‌ای هر دو طرف پر از آموزه‌های دیپلماسی، مطالعات صلح، مطالعات بین‌المللی و روابط و حقوق بین‌الملل بوده و اوج هنر، فن و علم دیپلماسی را جهت رفع و دفع تنش و درگیری و حتی جنگ را نشان داد.^۳

۲.۱.۲.۲.۳. احیا معاهدات تأثیرگذار بر صلح جهانی به‌خصوص وستفالی

برجام تداعی‌کننده معاهدات صلح من‌جمله صلح وستفالی- که نقش تعیین‌کننده‌ای در طول تاریخ حقوق و روابط بین‌الملل داشته-، بوده و از این جهت هم‌تراز با معاهدات منعقد شده پس از جنگ جهانی اول و دوم، قلمداد می‌شود و قطعاً در حقوق بین‌الملل معاصر تأثیرگذار است.^۴

۳.۱.۲.۲.۳. ایجاد پدیده‌ای دیپلماتیک

برجام- بدون قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت- یک پدیده دیپلماتیک از نوع توافق سیاسی است که در حوزه روابط بین‌الملل واقع شده است.^۱

۱. نیاورانی، صابر، پارلمان‌ها حق هیچ‌گونه تغییر در مفاد توافقات را ندارند، هفته‌نامه صدا، شماره ۴۸، ص ۵۸.

۲. هرچه حاصل کنی از دنیا، دستاورد است. «فریدون مشیری»

۳. ضیایی بیگدلی، محمدرضا، نشست ابعاد حقوقی برجام هسته‌ای، به میزبانی انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، ۱۲ مرداد ماه ۱۳۹۴.

۴. قنبری جهرمی، همان.

۴.۱.۲.۲.۳. درک واقعیات دنیای سیاست

شناخت مقتضیات زمان و زیست مسالمت‌آمیز با جامعه جهانی و روزآمد نمودن سیاست و عاقلانه رفتار کردن از جمله آداب حکمرانی مطلوب است. این امور به عینه در برجام مشاهده می‌گردد.

۵.۱.۲.۲.۳. تثبیت بازیگری ایران در عرصه بین‌المللی

دولت جمهوری اسلامی ایران و به‌خصوص وزیر امور خارجه ایران با تدوین برجام و پس از برجام نشان دادند که در عرصه بین‌المللی، نقشی کارآمد و تأثیرگذار دارند و جامعه جهانی با دیده مثبت به ایران به‌عنوان یک مهره کلیدی در حل و فصل بحران‌های بین‌المللی می‌نگرد.

۲.۲.۲.۳. دستاوردهای حقوقی

برای این دستاوردها، می‌توان ویژگی‌ها و شاخص‌های بیشتری را لحاظ نمود.

۱.۲.۲.۲.۳. وصف تجریدی سند

عده‌ای از حقوق‌دانان، سند تنظیم شده در چارچوب برجام را از نوع حقوق نرم و پایبندی به آن‌را، الزامی سیاسی مبتنی بر نحوه توزیع و معادله قدرت در عرصه بین‌المللی دانسته و نظر به عدم امضا و برگشت‌پذیر بودن نظام ضمانت اجرا در آن، تفاوت ترتیبات حل و فصل اختلافات در برجام با روش‌های سیاسی و حقوقی معمول و متعارف حقوق بین‌الملل، افعال و الفاظ به‌کار رفته در آن، نداشتن امین، عدم طرح و تصویب آن در مراجع تقنینی کشورهای طرف مذاکره با ایران و به‌خصوص فقد قصد طرفین بر ایجاد تعهد در برجام، آن‌را به استناد ماده ۲ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین، فاقد عناصر متشکله یک معاهده دانسته، صرفاً یک سند و توافق سیاسی مثل موافقت‌نامه نزاکتی،^۲ موافقت‌نامه دو فاکتو، غیررسمی، غیرحقوقی و یادداشت تفاهم می‌دانند.^۳ گروهی دیگر، با رد عقیده مخالفین، برجام را واجد اوصاف معاهده موضوع ماده ۲ کنوانسیون مذکور در حقوق معاهدات دانسته و آن‌را یک معاهده بین‌المللی تلقی می‌کنند، توصیف برجام با عناوین یاد شده در بالا را مبتنی بر اشتباه می‌دانند.^۴

۱. محبی، محسن، **مصاحبه با هفته‌نامه صدا**، شماره ۴۸، ۳۱ مرداد ماه ۱۳۹۴، (ص ۵۲).

2. Gentlemen,s agreement.

۳. محبی و قنبری جهرمی، همان و محمودی، سعید، **نشست ابعاد حقوقی برجام هسته‌ای**، به میزبانی انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، ۱۲ مرداد ماه ۱۳۹۴.

۴. ضیائی بیگدلی، همان.

۲.۲.۲.۲.۳. وصف عینی سند

اگر برجام را به‌عنوان ضمیمه قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت تلقی نماییم - که در عالم واقع و حقیقتا چنین است، باید بپذیریم با عنایت به اینکه قطعنامه مزبور شورای امنیت، یک قطعنامه الزام‌آور برای همه اعضا ملل متحد بوده و نظر به اینکه برجام به قطعنامه یاد شده منظم شده است، بنابراین هردو برای تمامی دول عضو ملل متحد، لازم‌الاتباع و سند بین‌المللی مرجح و الزام‌آور هستند.^۱

۳.۲.۲.۲.۳. ضمانت اجرا و مکانیسم ماشه

نظام ضمانت اجرا در برجام برگشت‌پذیر و به تعبیری ماشه‌وار بوده و در آن یک سیستم خود بسنده وجود دارد^۲ که البته با سازکار پیش‌بینی شده با لایه‌های حقوقی متعدد و قیود حفاظتی به نوعی تلاش گردیده که جلوی خود قضاوتی و خودسری دولت‌ها گرفته و بحث بازگشت‌پذیری قطعنامه‌های پیشینی علیه ایران را محدود و تا حدودی خنثی کند.^۳

۴.۲.۲.۲.۳. طول عمر و زمان اختتام

در متون اسناد قطعنامه ۲۲۳۱ و برجام، نص صریحی راجع به خاتمه برجام دیده نمی‌شود. گفتمان فانتزیک وزیر انرژی آمریکا مبنی بر اینکه برجام سندی است که در آن غروب پیش‌بینی نشده، گرچه در خصوص طول زمان برجام مبالغه‌آمیز می‌نماید، با وجود این شاید با اندکی مسامحه بیانگر این حقیقت باشد که برجام شکلا و ماهیتا سندی طولانی مدت با عمر ده ساله، - که تعهدات ایران به‌خصوص در حوزه نظارت تا ۱۵ و ۲۵ سال باقی می‌ماند، - می‌باشد.^۴

۵.۲.۲.۲.۳. پیش‌بینی سازکار خاص حل‌وفصل اختلافات

نظام حل‌وفصل اختلافات برجام ویژه و مناقشه برانگیز و از نظر مراجع رسیدگی‌کننده به ترافعات احتمالی، شاهد بدعتی دیگر در حقوق بین‌الملل با پیش‌بینی سازکار چندلایه جهت حل و فصل

۱. قنبری جهرمی، همان و عبداللهی، محسن، **نشست ابعاد حقوقی برجام هسته‌ای**، به میزبانی انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، ۱۲ مرداد ماه ۱۳۹۴.

۲. ضیائی بیگدلی، همان.

۳. عبداللهی، همان.

۴. عبداللهی، همان.

اختلافات از مذاکرات طرفینی تا رسیدگی کمیسیون خاص و نهایتاً ورود شورای امنیت به‌عنوان آخرین مرجع رسیدگی‌کننده، می‌باشیم.^۱

۶.۲.۲.۲.۳. پذیرش حق غنی‌سازی هسته‌ای ایران در قالب یک سند بین‌المللی

در هیچ سند بین‌المللی به صراحت به حق غنی‌سازی دولت‌ها جهت فعالیت‌های مسالمت‌آمیز هسته‌ای اشاره نشده، لیکن استناداً به روح حاکم بر برجام، هیچ‌کس نمی‌تواند انکار کند که حداقل به‌طور ضمنی حق بر غنی‌سازی برای دولت ایران به رسمیت شناخته شده، با این وجود از بیم پیامدهای سیاسی و حقوقی مترتبه نباید از قطعنامه ۲۲۳۱ و برجام جهت ایجاد رویه‌های بین‌المللی در این خصوص استفاده نمود.^۲

۷.۲.۲.۲.۳. دیگر دستاوردها

کارآمدی مذاکره به‌عنوان ابزاری قوی در حل‌وفصل اختلافات بین‌المللی، ایجاد گفتمان و ادبیات جدید، جلوه‌گری و تعرفه نقش ممتاز حقوق بین‌الملل را می‌توان از دیگر دستاوردهای حقوقی برجام دانست. به این موارد، بایستی مهار قدرت با قدرت نیز اضافه نمود.

به هر روی، تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای ایران از همه ظرفیت‌ها برای گفتگو با تمامی اعضا شورای امنیت استفاده، بده و بستان‌های سیاسی و حقوقی را در دستور کار قرار داد، بر همین مبنا نیز، عمل نمود.^۳ این‌گونه تمهیدات باعث گردید که دولت ایران به خواسته مدنظر خود که همانا مختومه کردن مهم‌ترین پرونده متشکله در طول عمر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و لغو یکجای شش قطعنامه تحریمی هسته‌ای شورای امنیت به‌موجب یک قطعنامه بود، برسد و برای اولین بار در تاریخ حقوق بین‌الملل، وقوع چنین تصمیم‌های مهم حقوقی-سیاسی در شورای امنیت، به‌نام ایران، نگاشته، ثبت و ضبط شود.

۱. عبدالهی، همان.

۲. عبدالهی، همان.

۳. سادات میدانی، سید حسین، سخنرانی تحت عنوان ابعاد حقوقی برجام هسته‌ای، به میزبانی انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، ۱۲ مردادماه ۱۳۹۴.

نتیجه‌گیری

با هر نوع نگرش فکری که به مباحث و مسائل حقوق بین‌الملل بنگریم، درمی‌یابیم که وجود محدودیت و نظارت بر اقدامات و عملکرد شورای امنیت، لازم و ماده خام آن در قالب موازین حقوقی و فراحقوقی در حقوق بین‌الملل، فراهم، این امر جزء ضروریات تعالی و پیشرفت نظام حقوقی ملل متحد است.

البته با لحاظ واقعیات نظام بین‌المللی و با فرض صحت، اعتبار و اصالت تصمیم‌های شورای امنیت، این‌گونه نظارت‌پذیری‌ها غیرمحسوس و عمدتاً غیرمستقیم توسط مراجع قضایی بین‌المللی به خصوص دیوان بین‌المللی دادگستری به شرح مباحث پیش‌گفته با احتیاط و به صورت تلویحی، صورت گرفته است. با وجود این، وقتی در نظام حقوقی اتحادیه اروپا، سیستم نظارت قضایی با پیش‌بینی مراجعی چونان دیوان دادگستری اروپایی و دیوان اروپایی حقوق بشر، نهادینه شده است و بعضاً قطعنامه‌های شورای امنیت به خصوص قطعنامه‌های تحریمی با ظرافت به چالش کشیده شده است، به نظر می‌رسد، سزاوار و شایسته نباشد که در نظام ملل متحد که از هر حیث و جهت، نهاد و مرجع فرازین و اعلی است، مسئله نظارت‌پذیری که لازمه حکومت قانون است، مسکوت بماند و راهکاری برای آن در نظر گرفته شود. این مسئله مهم نیازمند عزم جدی جامعه جهانی و اراده سیاسی پنج عضو دائم شورای امنیت است که این خلاء تقنینی را شاید با اصلاح منشور و شاید با پیش‌بینی رکن فرعی شبه قضایی برای امور یاد شده، مرتفع نمایند.

با این همه و صرف‌نظر از این آرزوهای شیرین، دیپلماسی، به خصوص دیپلماسی هسته‌ای دولت جمهوری اسلامی ایران با دستاوردهای بدیع سیاسی و حقوقی آن، به خوبی نشان داد و تصدیق نمود که اولاً: سنجه مذکور، یکی از قوی‌ترین معیارهای پاسخگویی شورای امنیت در دنیای امروز تلقی می‌شود و ثانیاً: امر مزبور به‌عنوان یکی از موازین حقوق بین‌الملل - منظور حقوق بین‌الملل مبتنی بر همکاری و همدلی است و نه حقوق بین‌الملل نشئت گرفته از قدرت و تفوق - نشان داد که «پیشگیری بهتر از درمان است» و کلام لسان‌الغیب، حضرت حافظ که می‌فرماید:

آسایش دو گیتی، تفسیر این دو حرف است
با دوستان مروت، با دشمنان مدارا

در جریان سیال و عبرت‌آموز تاریخ، هماره برگی برنده و حکمتی جاودانه مبتنی بر دیپلماسی صحیح و کارآمد برای جلوگیری از جنگ و خون‌ریزی و منازعات بی‌حاصل و همچنین تحقق «صلح و توسعه پایدار» و «زیست مسالمت‌آمیز» در «تمامی جوامع انسانی» است.

فهرست منابع

الف) فارسی

کتاب

۱. البرادعی، محمد، **عصر فریب**، ترجمه: درشتی، فیروزه و شیما، صفائی، انتشارات ایران، چاپ اول، بهار ۱۳۹۲.
۲. بیات، محمود، **دیپلماسی دیجیتال**، انتشارات مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، سال ۱۳۸۵، (ص ۲۴).
۳. تسون، فرناندو، **فلسفه حقوق بین‌الملل**، ترجمه: محبی، محسن، انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۴. جمعی از نویسندگان، **جامعه مدنی جهانی**، ترجمه: شریفی طراز کوهی، حسین، چاپ اول، نشر میزان و دادگستر، زمستان ۱۳۷۸.
۵. راجی، محمدمهدی، **آقای سفیر**، گفتگو با محمد جواد ظریف، نشر نی، چاپ هفتم، تهران ۱۳۹۴.
۶. روحانی، حسن، **امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای**، انتشارات مرکز تحقیقات استراتژیک، چاپ چهاردهم، پاییز ۱۳۹۱.
۷. سادات میدانی، سیدحسین، **صلاحیت قانون‌گذاری شورای امنیت**، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، پاییز ۱۳۸۴.
۸. شایگان، فریده، **شورای امنیت سازمان ملل متحد و مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی**، زیر نظر ممتاز جمشید، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، بهار ۱۳۸۰.
۹. شریف، محمد، بررسی دکترین نامحدود بودن صلاحیت شورای امنیت، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۳.
۱۰. ظریف، محمد جواد و سجادیپور، سید محمد کاظم، **دیپلماسی چندجانبه**، جلد اول، انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول، ۱۳۸۷.
۱۱. عنابستانی، ابوالحسن، **تحریم‌های اقتصادی و حقوق بنیادین بشر**، انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۹۲.

۱۲. کتبی، مرتضی، **در مقدمه مترجم بر کتاب افکار عمومی، لازار، ژودیت**، نشر نی، چاپ یازدهم، تهران، ۱۳۹۴.
۱۳. لیپست، سیمور مارتین، **دایره‌المعارف دموکراسی**، دوره سه‌جلدی، جلد اول، ترجمه: فانی، کامران و مرادی، نورالله کتابخانه تخصصی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۸۳.
۱۴. فلسفی، هدایت الله، **صلح جاویدان و حکومت قانون**، تهران، انتشارات فرهنگ نشر نو، ۱۳۹۰.
۱۵. قربان نیا، ناصر، **اخلاق و حقوق بین‌الملل**، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها «سمت»، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۸. گریفیتس، مارتین، **دانشنامه روابط بین‌الملل و سیاست جهان**، ترجمه طیب، علیرضا، نشر نی، چاپ سوم، ۱۳۹۴.
۱۶. واتسون، آدام، **دیپلماسی**، ترجمه: آقایی، سید داود و لیلی، گل افشان، انتشارات نسل نیکان، تهران، پاییز ۱۳۸۵.
۱۷. موسویان، سید حسین، **روایت بحران هسته‌ای ایران**، ناگفته‌های یک دیپلمات، انتشارات تیس، تهران، ۱۳۹۴.
۱۸. یعقوبی، مرضیه، **گنجینه سخنان بزرگان ایران و جهان**، انتشارات عطار، ۱۳۸۵.
- پایان‌نامه‌های دانشگاهی**
۱۹. احساندوست، نسرین، **رویکرد پیشگیرانه سازمان ملل متحد در جلوگیری از درگیری‌های مسلحانه**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، بهمن ماه ۱۳۹۲.
۲۰. پیرزاده، نادر، **خاتمه تحریم‌های سازمان ملل و امکان رجوع به دیوان بین‌المللی دادگستری**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، بهمن ماه ۱۳۹۰.
۲۱. شریفی، محسن، **حکومت قانون و اعمال آن بر شورای امنیت سازمان ملل متحد**، رساله دکتری، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۱.
۲۲. فلاح اسدی، مهرداد، **چالش‌های حقوق بشری تصویب و اجرای قطعنامه‌های تحریمی شورای امنیت**، رساله دکتری رشته حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۲.

مقالات

۲۳. فلسفی، هدایت الله، «از عقل و واقعیت تا بشریت»، سالنامه ایرانی حقوق بین‌الملل و تطبیقی، شماره پنجم، ۱۳۸۸، صص ۴۳-۳.
۲۴. ممتاز، جمشید و متوسل، سیروس، «رویکرد اتحادیه اروپا در به چالش کشیدن اجرای قطعنامه‌های تحریم شورای امنیت از حیث تعارض اجرای آنها با حق بردادرسی»، مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ویژه‌نامه شماره ۱۵، زمستان ۱۳۹۲، صص ۳۹-۱۱.

جراید کاغذی

۲۵. روزنامه ایران، سال بیست و یکم، شماره ۶۰۰۰، پنجشنبه ۲۲ مرداد ماه ۱۳۹۴.
۲۶. هفته‌نامه خبری، تحلیلی صدا، دوره جدید، شماره ۴۸، شنبه ۳۱ مرداد ماه ۱۳۹۴.

شبکه‌های مجازی

۲۷. سایت انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، گزارش نشست ابعاد حقوقی برجام هسته‌ای، ۱۲ مردادماه ۱۳۹۴.

(ب) انگلیسی

Books

28. Aust, Anthony, Handbook of international Law, Cambridge University Press, 1 st Edition, 2005
29. Bedjaoui, Mohammed The New World Order and the Security Council: Testing the Legality of its Acts (The Hague: Martinus Nijhoff, 1994).
30. Brownlie, Ian, principles of public international law, OUP, edition, 2008.
31. Erika de Wet, The Chapter VII Powers of the United Nations Security Council, Hart 2004.
32. Farrall, Jeremy Matam. United Nations Sanctions and the Rule of law. Cambridge University Press, 2007.
33. Leach, P. Taking a Case to the European Court of Human Rights. (2nd ed) OUP: Oxford, 2005.
34. Kelsen, Hans, The law of the United Nations, a critical analysis of its fundamental problems, New York, 1951.
35. Shaw, Malcolm N, International law, Cambridge University Press, 6th Edition, 2008.
36. Simma, Bruno, The Charter of the United Nations (2nd ed. Oxford University Press, 2002).

Articles

37. Wheatley, Steven, The Security Council, Democratic Legitimacy and Regime Change in Iraq, EJIL, VOL.17, NO.3, 2006, (pp531-551).
38. Gardam, Judith, Legal Restraints on Security Council Military Enforcement Action, Michigan Journal of International Law, Vol.17, 1996, (p318) & (pp285-332).
39. Butkiewicz, E., The Premises of International Responsibility of Intergovernmental Organizations, Polish Yearbook of International Law, 1981-82, vol. X 1, (pp117-141).